**عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دوره جدید**

عملیات روانی نقش اساسی در پیشبرد سیاست ضد ایرانی امریکا دارد. انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری این کشور، سیاست‌های آن را با توجه به تصمیم‌گیری‌های نامتعارف وی دست‌کم در ظاهر متفاوت از قبل ساخته است. بسیاری از نویسندگان در غرب، تصمیم‌گیری‌های ترامپ در داخل امریکا و به‌خصوص در روابط بین‌الملل را ناشی از چگونگی شخصیت و شکل‌گیری آن از دوران جوانی تا امروز ارزیابی می‌کنند. ترامپ در مدت ریاست جمهوری خود با همه کشورها و دولت‌ها درگیر شده است. روسیه، چین، کره شمالی، اتحادیه اروپا، کانادا، کوبا و اغلب کشورها در امریکای لاتین، ترکیه و ایران در فهرست تقابل رئیس جمهور امریکا قرار گرفته‌اند. جنگ تجاری او به روایت اغلب کارشناسان اقتصادی در غرب،‌ اکنون در سراسر مناطق جهان فراگیر شده است. ترامپ در این جنگ امتیاز نمی‌دهد اما سهم بزرگ می‌خواهد.

او به هیچ قاعده حقوق بین‌الملل و موازین انسانی پایبند نیست. از دید ترامپ در چارچوب منافع امریکا هر اقدام ناقض حقوق بین‌الملل و موازین انسانی مجاز است. رئیس جمهوری امریکا در چارچوب همین تفکر تاجرمآبانه از توافقنامه‌های چندجانبه و بین‌المللی خارج شده و موازین انسانی را زیر پا می‌گذارد. امریکای ترامپ از شورای حقوق بشر و سازمان علمی فرهنگی یونسکو به‌خاطر رسیدگی به کارنامه جنایات امریکا و رژیم صهیونیستی خارج ‌شد و قضات دیوان بین‌المللی کیفری را تهدید به محاکمه و ممنوعیت ورود به امریکا کرد. اما امریکا تلاش می‌کند از همین نهادهای بین‌المللی حداکثر بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی را بکند و کشورهای غیر همسو با خود را تهدید کند. نمایندگان این کشور در سازمان ملل هفته‌ای نیست که اتهاماتی را علیه کشورهای غیر همسو با امریکا مطرح نکنند. جمهوری اسلامی ایران نیز در صدر سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و تنش‌آفرین امریکا در سطح جهانی قرار دارد.

اما در خصوص جمهوری اسلامی ایران، ترامپ باور دارد که اگر جمهوری اسلامی ایران را وادار به مصالحه کند، برای چهارسال دور دوم ریاست جمهوری نیز پیروزی خود را بیمه خواهد کرد. از این‌رو، به دنبال معتبرسازی تهدیداتش در ابعاد مختلف و ازجمله حوزه نظامی است. امریکا از یکسو قصد دارد با هدف تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی داخل ایران و ارعاب مردم به امکان حمله نظامی و افزایش فشار تحریمی، آنها را ضد حاکمیت بسیج نماید و در سطح بالاتر قصد دارد ذهنیت مسئولان و نظام محاسباتی آنها را تغییر دهد و گزینه‌های آنها را محدود سازد و آنها را وارد زمین‌ بازی خود نماید و سرانجام آنها را در راستای پذیرش پیشنهاد مذاکره جهت‌دهی کند. به عبارت بهتر از طریق ائتلاف‌سازی بین‌المللی ضدایرانی و افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی، آنها را وادار به ورود به فاز امتیازدهی نماید. دولت ترامپ همان روش "ایجاد تنش با هدف حل مسئله" را بار دیگر به آزمون گذارده است؛ از این‌رو، تشدید عملیات روانی در ابعاد مختلف و با توجه به تحولات داخل ایران در دستور کار واشنگتن قرارگرفته است.

ترامپ پس از خروج از توافقنامه جامع هسته‌ای گروه 1+5  با جمهوری اسلامی ایران موسوم به برجام می‌کوشد از هر فرصتی برای توجیه این اقدام خلاف حقوق بین‌الملل در مجامع بین‌المللی استفاده کند. آن هم در شرایطی که به غیر از رژیم صهیونیستی و چند کشور عربی تنش‌آفرین در منطقه هیچ کشوری امریکا را در سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه‌اش همراهی نمی‌کند. این مسئله باعث شده است ترامپ بیشتر سعی کند در مجامع بین‌المللی حضور داشته و فعال باشد. سیاست او تنش‌آفرینی و عملیات روانی است و از طریق توئیت‌هایش در فضای مجازی، ارسال پیام به مجامع بین‌المللی و حضور در برخی نهادهای بین‌المللی این کار را دنبال می‌کند.

براین اساس، امریکا در چارچوب عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد از هر فرصتی برای طرح اتهامات بی‌اساس علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

با وجود این، این دوره از عملیات روانی با تهدید تحریم نفتی علیه ایران با محوریت قدرت‌نمایی ترامپ علیه ایران که مورد پسند و تهییج افکار عمومی امریکاست، به صورت موجی عبور خواهد کرد. اما به‌یقین مشاوران ترامپ دریافته‌اند پس از گذشت چهل‌سال از تقابل و جنگ با مردمی‌ترین انقلاب جهان، قادر به شکست آن نخواهند بود.